

کلمات و اصطلاحات مهم:

لا تجزعي: بی تابى نکن ، فعل نهى از ریشه ی «جَزَع» [بی تابى کرد]/ [الاطباء: پزشکان مفرد آن «الطبيب» اسم مشتق [صفت مشبهه]/ [بُنَيْتِي : معادل دخترکم ، دختر عزیزم/ المرضى: بیماران ، جمع مکسر مفرد آن «المريض» مشتق [صفت مشبهه]/ [المستشفى: بیمارستان اسم مکان از فعل ثلاثى مزيد در باب استفعال/ المجلس الاستشارى: شورای مشورتی/مؤسفة: تأسف بار ، ناراحت کننده ، اسم فاعل از فعل ثلاثى مزيد در باب افعال/الأمراض: بیماری ها جمع مکسر «المرض» اسم جامد/لاتبحثوا عن ... جست و جو نکنید/ الحاذق: ماهر ، زیر دست ، اسم فاعل ثلاثى مجرد/الكحول: الكل/ طيب: نیکو مترادف «جيد و حسن»/ إعزاز: گرامی داشتن ، عزیز داشتن مترادف «إكرام»/ الجليل: بزرگوار اسم مشتق [صفت مشبهه] مترادف «الشريف»/ ليس لنا: نداریم/ لاثبادرون : مبادرت نمی کنید ، فعل مضارع للمخاطبين ، ثلاثى مزيد من باب مفاعلة/ الحصول على ... : به دست آوردن/ الأسبوع: هفته ، جمع آن «أسابيع»/ نستعين: یاری می جویم ، فعل مضارع ، للمتکلم مع الغير در باب استفعال/ الخروف: گوسفند ، مترادف «الغنم»/ سأخبركم: شما را آگاه خواهم کرد ، فعل مضارع ، للمتکلم مع الغير ، مزيد ثلاثى من باب افعال/أخبرنا: ما را آگاه کن/النواحي: ناحیه ها جمع «الناحية»/القطع: تکه ها قطعه ها جمع «القطعة»/متأخراً: دیر ، اسم فاعل از فعل «تأخر» در باب تفعّل

ترجمه ی فارسی را کامل کنید.

تجربه:

مادر: خدای من!!.....؟

او به شدت است ... به کجا؟

خواهر _ ندارد ... ای خواهرم!

چرا؟! دخترکم است.

..... در این شهرهیچ چاره ای نیست .

در شهر:

.....! چرا نمی توانند این را؟

..... بیماران و بیمارستان مناسبی

مجلس

- ای وزیر!؟

خبرهای مردم در مصیبت بیماریها شایع شده است.

چرا راهی برای حلّ این؟

- دانشمندان را برای پیرامون این امر

.....-

آفرین! دانشمند مشهوری در شهر ری او پزشك است .

..... محمد بن زکریای رازی است!؟

.....! او را با و احترام دعوت کنید.

نزد رازی :

ای دانشمند! شهر ما در مشکل بیماریها شایع است و مناسبی

.....

- چرا به ساختن بیمارستان؟

- مشکل ما جای مناسبی برای است.

- اختلاف میان پزشکان در مورد تعیین وجود دارد .

- من در مورد این

- تا؟

- تا آخر!

در خانه :

خدایا در قلب من و و قرار بده.

خدایا! فقط تو را و فقط از تو

چند روز بعد ، هان ،

گوسفندی را و را به تقسیم کنید.

و ما این قسمت ها را؟

شما هر قسمتی را در ناحیه ای از شهر و من شما را از نتیجه

و چند روز بعد رازی را برای بیمارستان

در مجلس مشورتی:

- ای دانشمند! ما را از راز آگاه کن .

هر روز به نواحی شهر و تغییرات را برای تگه های گوشت و به این نتیجه

رسیدم که هر ناحیه ای که گوشت در آن فاسد شود برای ساختن است .

*** به فارسی روان ترجمه کنید .

۱- الهی بُنَّیْتِی مریضة . أینْ أَرَجِعْ؟

- ۲- يا أُختي الامراض شائعةٌ لاحيلة.
- ۳- أطباؤنا لايقدرّون معالجة مرضانا.
- ۴- عدد المرضى كثيرٌ و ليس لنا مُستشفى.
- ۵- لماذا لايتبحثون عن حلٍّ لهذه المُشكلة؟
- ۶- اطلبوا علماء بلادكم للبحث حول هذا الأمر.
- ۷- مُشكلتهم الحصول على مكانٍ لبناء المُستشفى.
- ۸- إختلاف كثيرٌ بين الاطباء لتعيين المكان المناسب.
- ۹- الله قادر على طلبتنا و يعلم حاجتنا.
- ۱۰- قَسَمُوا لحم الخروف الى خمسة أقسام.
- ۱۱- نحن نُعلّق كلّ قسم في ناحية . فأخبرنا بالنتيجة.
- ۱۲- كلّ ناحية يفسد فيها اللحم مُتأخراً أحسن مكان للبناء.

*** غلط ها را در ترجمه اصلاح كنيد.

- ۱- أخبرنا عن سِرِّ تعليق اللحم. ما را از راز آویزان کردن گوشت آگاه کرد.
- ۲- بعد أيام عین الرّازي أحسنَ مكانٍ لبناء المُستشفى. روز بعد رازی جایی خوب برای ساختن بیمارستان را مشخص می کند.
- ۳- شاهدنا التغيرات الحاصلة لِقِطْع اللحم. تغییر به وجود آمده برای تکه های گوشت را مشاهده کردم.
- ۴- عدد المرضى كثيرٌ و ليس لهم مستشفى. تعداد بیماری ها زیاد است و بیمارستانی نداریم.
- ۵- بعد ساعة دَخَلت المدينة فَوَقَف على دار أبي أيوب الانصاري. ساعاتی بعد وارد مدینه می شود و بر در خانه ی ابی ایوب انصاری می ایستد.

*** للتعريب (جمله های زیر را به عربی برگردانید.)

- ۱- من تا آخر هفته فکر می کنم.
- ۲- شتر را رها کنید . او مأمور است.
- ۳- ما سرگرم مطالعه ی درسهایمان هستیم.
- ۴- در شهر ما بیمارستان مناسبی نیست.

قواعد درس

ضمیر و انواع آن

ضمیر اسمی است که به جای اسم ظاهر قرار می‌گیرد و مانع از تکرار آن می‌شود. **عَلِيّ** تلمیذ. هو يُطالع دروسه بدقّة. علی دانش آموز است او درس هایش را با دقت مطالعه می‌کند. در عبارت بالا «عَلِيّ» یک اسم ظاهر (اسم غیر ضمیر) است. و «هو» و «ه» که به جای علی قرار گرفته اند ضمیر هستند.

انواع ضمیر: در تقسیم بندی اولیه ضمیر به منفصل و متصل تقسیم می‌شود:
ضمیر منفصل ضمیری است که به صورت مستقل (جدا) به کار می‌رود و می‌توان آن را در ابتدای عبارت به کار برد. مانند: هو ، هي ، أنت ، نحن ، اياه ، إياك...
ضمیر متصل: ضمیری است که همراه کلمه ی دیگر (اسم ، فعل ، حرف) به کار می‌رود و نمی‌توان آن را در ابتدای عبارت به کار برد.

ضمیرهای منفصل و متصل اقسامی دارند.

ضمیر های منفصل:

الف: منفصل مرفوع

این ضمیرها غالباً نقش نهادی (مبتدا) دارند و چون مبتدا مرفوع است به آن‌ها منفصل مرفوع گفته می‌شود.
هو مؤمنٌ بالله. هو: مبتداً و مرفوع محلاً

صیغه	ضمیر	صیغه	ضمیر
للغائب	هو: (او)	للمخاطب	أنت (تو)
للغائبة	هي: (او)	للمخاطبة	أنت (تو)
للغائبين	هما: آنها (۲ نفر مذکر)	للمخاطبين	أنتما (شما دو نفر)
للغائبتين	هما: آنها (۲ نفر مؤنث)	للمخاطبتين	أنتما (شما دو نفر)
للغائبين	هم: آنها (جمع مذکر)	للمخاطبين	أنتم: (شما)
للغائبات	هنّ: آنها (جمع مؤنث)	للمخاطبات	أنتنّ: (شما)
		للمتكلم وحده	أنا: (من)
		للمتكلم مع الغير	نحن: (ما)

ب: منفصل منصوب: این ضمیرها غالباً نقش مفعولی دارند و در ترجمه ی فارسی آن‌ها حرف «را» که نشانه ی مفعول است معمولاً ذکر می‌شود.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وِ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. : تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم. اِيَّاكَ: مفعول به و منصوب محلاً

صيغه	ضمير	صيغه	ضمير
لِلغَائِبِ	إِيَّاهُ: (او را)	لِلْمَخَاطَبِ	إِيَّاكَ (تو را)
لِلغَائِبَةِ	إِيَّاهَا: (او را)	لِلْمَخَاطَبَةِ	إِيَّاكَ (تو را)
لِلغَائِبِينَ	إِيَّاهُمَا: آنها را (۲ نفر مذکر)	لِلْمَخَاطَبِينَ	إِيَّاكُمَا (شما دو نفر را)
لِلغَائِبَتَيْنِ	إِيَّاهُمَا: آنها را (۲ نفر مؤنث)	لِلْمَخَاطَبَتَيْنِ	إِيَّاكُمَا (شما دو نفر را)
لِلغَائِبِينَ	إِيَّاهُمْ: آنها را (جمع مذکر)	لِلْمَخَاطَبِينَ	إِيَّاكُمْ: (شما را)
لِلغَائِبَاتِ	إِيَّاهُنَّ: آنها را (جمع مؤنث)	لِلْمَخَاطَبَاتِ	إِيَّاكُنَّ: (شما را)
		لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	إِيَّايَ: (مرا)
		لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	إِيَّانَا: (ما را)

ضمير های متصل

الف: متصل مرفوع

این ضمیرها فقط با فعل به کار می روند و غالباً نقش فاعلی دارند و چون فاعل مرفوع است به آن ها متصل مرفوع گفته می شود. این ضمیرها عبارتند از: ا- و- ن- ی- ت- ت- ثما- ثم- تئن- ت- نا ا- و- ن: در فعل های ماضی و مضارع و امر مشترک هستند. **کتبا** یکتبان **اُکتبا**

ی: به این ضمیر «یاء» مخاطبه می گویند و در فعل های مضارع و امر صیغه ی مخاطبه (مفرد مؤنث مخاطب) وجود دارد. **تکتبین** **اُکتبی**

ت- ت- ثما- ثم- تئن- ت- نا: این ضمیر ها مختص فعل ماضی هستند. **کتبت** ، **کتبت** ، **کتبتما...**

به ضمیر های متصل مرفوع ضمیر های بارز نیز می گویند زیرا در آخر فعل به عنوان فاعل و یا نقش های مرفوعی دیگر دیده می شوند.

در مقابل ضمیرهای بارز ضمیرهای مستتر هستند که در ظاهر فعل دیده نمی شوند بلکه در معنای فعل می توان آن ها را مشخص کرد. این ضمیر ها عبارتند از: هو ، هی ، أنت ، أنا، نحن

ب: متصل منصوب و مجرور (متصل به هر سه قسم کلمه)

این ضمیر ها به هر سه قسم کلمه (اسم ، فعل و حرف) وصل می شوند.

اگر همراه اسم باشند مضاف الیه و مجرورند. **رسوله** ، **أصدقاؤکم** (ه و کم: مضاف الیه و محلاً

مجرور)

اگر همراه فعل باشند ، مفعول به و محلاً منصوبند. **خَلَقَ نَصَرَهُمْ** (کَ و هم: مفعول به و محلاً منصوب)

اگر همراه حرف جر باشند، محلاً مجرورند. **منهم لَنَا**

صیغه	ضمیر	صیغه	ضمیر
لِلغَائِبِ	هـ: (او را ، ـ ش)	لِلْمَخَاطَبِ	کَ (تو را ، ـ ت)
لِلغَائِبَةِ	ها: (او را)	لِلْمَخَاطَبَةِ	کِ (تو را)
لِلغَائِبِينَ	هما: آنها را (۲ نفر مذکر)	لِلْمَخَاطَبِينَ	کَمَا (شما دو نفر را)
لِلغَائِبَتَيْنِ	هما: آنها را (۲ نفر مؤنث)	لِلْمَخَاطَبَتَيْنِ	کَمَا (شما دو نفر را)
لِلغَائِبِينَ	هم: آنها را (جمع مذکر)	لِلْمَخَاطَبِينَ	کُمْ: (شما را)
لِلغَائِبَاتِ	هنَّ: آنها را (جمع مؤنث)	لِلْمَخَاطَبَاتِ	كُنَّ: (شما را)
		لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	ي: (مرا)
		لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نَا: (ما را)

نکات:

۱- اگر فعلی همراه ضمیر «یاء» متکلم به کار برود بین فعل و این ضمیر «نونی» قرار می گیرد که به آن

«نون وقایه» می گویند. **خَلَقَ + ي - خَلَقْنَا - يَنْصُرُ + ي - يَنْصُرُنِي**

۲- ضمیر «نا» زمانی که در فعل ماضی متکلم مع الغیر باشد ضمیر مرفوعی است. و در هر فعل دیگری

که باشد ضمیر منصوبی می باشد.

جَعَلْنَا تَعَلَّمْنَا (نا ضمیر فاعلی و مرفوع محلاً) / **جَعَلْنَا يَجْعَلُنَا** **أَلْحَقْنَا** (نا ضمیر مفعولی و منصوب محلاً)

*** ضمیر و نوع آن را در عبارت های زیر مشخص کنید. (بارز و مستتر)

۱- **اللَّهُ رِيْنَا فَيَا ه نَعْبُد.**

۲- **لَاتَكْسَلُوا فِي أُمُورِكُمُ الدَّرَاسِيَّة.**

۳- **أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ.**

۴- **نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقُصُص.**

۵- **الْهِي! إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.**

۶- **عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الْقُرْآن.**

*** در جای خالی ضمیر مناسب قرار دهید.

۱- **يَتَعَلَّمَنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لِأَنَّ** **لُغَةَ الْقُرْآن.** (آن ها زبان عربی را یاد می گیرند زیرا آن زبان

قرآن است.)

- ۲- تطالعین دروس بدقة. (تو درسهایت را با دقت مطالعه می کنی.)
- ۳-.....تُکرمون اولاد..... . (شما فرزندانتان را گرامی می دارید.)
- ۴- مشغولون بمطالعة دروس..... (ما سرگرم مطالعه ی درسهایمان هستیم.)
- ۵- تساعدن صديقات..... في المدرسة. (شما به دوستانتان در مدرسه کمک می کنید.)

***للإعراب: (نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.)

هؤلاء لايسجدون للحاكم.

عين الرازي أحسن مكان لبناء المستشفى.

نحن نتعلم العربية.

***للتحليل الصرفي:

أنا سأخبركم بالنتيجة.

أنا:	س :	أخبر:
كم:	ب :	النتيجة:

کلمات و اصطلاحات مهم:

«هَبْل»: نام یکی از بت های بت پرستان / الخَطِرَة: خطرناک [اسم مشتق ، صفت مشبَّه بر وزن «فَعْل» / «التعذیب»: شکنجه کردن ، مصدر باب تفعیل از ریشه ی «عذب» / «أشدّ»: شدیدترین [مشتق ، اسم تفضیل بر وزن «أفعل» در اصل «أشدد» بوده است. / مُوحَّد: یکتا پرست [مشتق اسم فاعل از فعل «وَحَّد» در باب تفعیل / صامتون: ساکت و خاموش [اسم فاعل از فعل ثلاثی مجرد] / «اللات و العزى»: اسم بت های بت پرستان / «التطمیع»: به طمع انداختن [مصدر باب تفعیل از ریشه ی «طمع»] / «نبتُ»: می فرستیم ، مترادف «نُرسلُ» / «نُعذَّبُ»: شکنجه می کنیم/ الشَّبَاب: جوانان ، جمع «الشَّاب» مترادف آن «الفتیان» و مفرد آن «الفتی» می باشد. [الشباب: به معنی جوانی نیز هست .] / یَمَنع» باز می دارد [مترادف آن : یَنهى] / المعاصي: گناهان ، مفرد آن «المعصية اسم جامد است و مترادف آن «الدُّنُوب» / إقامَة: برپا داشتن [مصدر باب افعال از ریشه ی «قوم»]

ترجمه ی فارسی را کامل کنید:

هجرت

..... نه هبل او را!

در شبی:

..... مسلمانان در

کافران سمیه را بعد از کشتند .

و یاسر را.

- ویلال و عمار زیرشکنجه

- ما به برای نشر اسلام

- ای! را حلی برای جست وجو کن.

- پروردگارا ، ما به از بر ما نیازمندیم.

- پس خداوند به دستور داد

- همانا وسیع است پس تنها

- در حبشه حکمران و وجود دارد .

..... قریش: شما! است!

- به حبشه برایمان مشکلات

- به لات و عزی هر کسی را که برخواهیم گردانید و او را شکنجه.....
- ای را همراه به سوی حاکم حبشه و از آنان کسانی را که به آنجا رفته اند
- خوب است ، عادت ماست.
- نزد حاکم حبشه :
-! عده ای از از خارج شده اند.
- و آنچه را از این است که آنان را به ما مهاجران نزد حاکم
- سلام بر شما. -
- اینان برای حاکم.....
- دین ما به ما که جز در برابر خدایی که ما را ، دین شما چیست؟
- خدا..... را به سوی ما که ما را به و و فرمان می دهد و ما را از ارتکاب منع می کند و ما را به و فرمان می دهد.
- سوگند به.....، این دین است ...
- ای قریش!! کسانی که وارد در امنیت و..... هستند.

*** به فارسی روان ترجمه کنید.

- لا تحزنوا. أبحاثٌ عن طريقٍ لحلِّ مشكلتكم.
- نحنُ بحاجةٍ الى مكانٍ آمنٍ لنشرِ الاسلام.
- الناسُ فقراءٌ لما يُنزلُ اللهُ اليهم من خير.
- «إنَّ أرضي واسعةٌ فإياي فاعبدون.»
- من هاجرَ الى الحبشةِ سيخلقُ لنا المشكلات.
- نطلب منهم تسليمَ الذين ذهبوا الى هناك.
- تبعثُ رسولاً و نطلب تسليمَ المهاجرين.
- ديننا يسمح لنا بالسجود لله وحده.
- نبينا من يمنعنا عن ارتكاب المعاصي.
- الذين دخلوا بلادي ففي أمن و راحة.
- *** غلط های ترجمه ای را اصلاح کنید.

أَنْظُرُوا هَوَاءَ لَا يَسْجُدُونَ لِلْحَاكِمِ. (نگاه کن آنان به حاکم سجده نکردند.)

التَّطْمِيعِ مِنْ عَادَتِنَا. (طمع کردن از عادت های ماست.)

قال اليهودي: أنا لأَسْمَحُ بِخُرُوجِكَ مِنَ الْمَسْجِدِ. (یهودی گفت: من اجازه خارج شدن از مسجد را نخواهم داد.)

تَبَسَّمَ النَّبِيُّ (ص) و قَالَ: لِأَخْرِجَ مِنَ الْمَسْجِدِ. (پیامبر تبسمی می کند و می گوید: از مسجد خارج نشدم.)
اصحاب النَّبِيِّ (ص) الَّذِينَ شَاهَدُوا هَذَا الْمَنْظَرَ غَضِبُوا. (یاران پیامبر کسانی که این صحنه ها را دیدند خشمگین می شوند.)

إِنَّ اللَّهَ مَابَعَثَ النَّبِيَّ لِلظُّلْمِ عَلَى النَّاسِ. براستی خداوند پیامبرش را برای ستم بر مردم نمی فرستد.

*** ترجمه ی صحیح را انتخاب کنید.

المؤمن من يُسَاعِدُ الْفُقَرَاءَ وَ الْمَسَاكِينَ.

الف: مؤمنان کسانی هستند که به فقیر و تهی دست کمک می کنند.

ب) مؤمن کسی است که به نیازمندان و تهی دستان کمک می کند.

نحن نتعلّم اللغة العربية.

الف: ما زبان عربی را می دانیم. ب: ما زبان عربی را یاد می گیریم.

إِبْحَثُوا عَنْ طَرِيقٍ لِحَلِّ مُشْكَلَتِنَا.

الف: راهی برای حل مشکلات ما پیدا کنید. ب: راه حلی برای مشکل ما جست و جو کنید.

قواعد

اسم موصول و انواع آن

اسم موصول اسمی است که به جمله ی بعد از خود وصل می شود تا بین دو قسمت جمله ارتباط برقرار کند.

أبي هو **الَّذِي** يَتَعَبُ مِنْ أَجْلِ رَاحَتِي. پدرم همان کسی است که به خاطر راحتی من زحمت می کشد.

يَسْبِغُ اللَّهُ **مَا** فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ. آن چه در آسمان ها و زمین است خدا را به پاکی یاد می کند.

در عبارت های بالا «الَّذِي» و «مَا» بین دو قسمت جمله ارتباط برقرار کرده اند و اسم موصول هستند.

انواع موصول

۱- موصول خاص

اسم های موصولی هستند که برای مفرد و مثنی و جمع و مذکر و مؤنث هرکدام شکل خاصی دارد.

مفرد مذکر: الَّذِي (کسی که ، که)	جمع مذکر: الَّذِينَ (کسانی که ، که)
مفرد مؤنث: الَّتِي (کسی که ، که)	جمع مؤنث: اللَّاتِي (کسانی که ، که)

مثنای موصولات خاص: مذکر: اللَّذَانِ ، اللَّذَيْنِ مؤنث: اللَّتَانِ ، اللَّتَيْنِ

۲- موصول مشترک (عام)

اسم های موصول عام برای مفرد و مثنی و جمع و مذکر و مؤنث یکسان به کار میروند.

موصولات عام عبارتند از:

مَنْ: (کسی که، کسانی که) برای عاقل (انسان) ما: (چیزی که ، چیزهایی که ، آن چه) برای غیر

عاقل

هو من يساعد الفقراء. هي من تساعد الفقراء.

هم من يساعدون الفقراء. هنَّ من يساعدن الفقراء.

چند نکته:

۱- مَنْ و ما اگر به معنی چه کس و چه چیز باشد اسم استفهام (پرسشی) هستند و همیشه در اول عبارت می آیند.

من جاء اليك؟ چه کسی پیش تو آمد. ما بيدك؟ چه چیز در دست تو است؟

۲- ما گاهی حرف نفی است و برای منفی کردن فعل ماضی و گاه فعل مضارع به کار می رود.

ماتعلّمتُ الدرس الجديد. درس جدید را یاد نگرفتم.

و مانرسل المرسلين إلا مبشّرين و منذرین. رسولان را جز بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم.

۳- اسم های موصول خاص «الَّذِينَ» و «اللَّاتِي» فقط برای جمع عاقل (انسان) به کار می روند.

الرّجال الذّين..... الرّجال الذّين..... الرّجال الذّين..... الرّجال الذّين.....
النّساء اللّاتي..... الطالبات اللّاتي.....

۴- برای جمع های غیر عاقل (غیر انسان) معمولاً از موصول خاص «الَّتِي» استفاده می شود.

أهديت الى مكتبة المدرسة الكتب التي اشتريتها. کتاب هایی را که خریدم به کتابخانه مدرسه اهدا کردم.

*** در جای خالی موصول مناسب بگذارید.

- نشكُرُ..... يساعدنا في امورنا. (موصول خاص)

- هاجرنا يخلقنا لنا المشكلات. (موصول خاص)

- إعمل شئت. (موصول عام)
- نُحسن الي يُسئ لنا. (عام)
- أنفق ب عندك في سبيل الله. (عام)
- أهديتُ الأَقلام إشتريتها الي أصدقائي. (خاص)
- شهر رمضان أنزل فيه القرآن. (خاص)
- يسبح لله في السماوات و في الارض. (عام)

*** غلط ها را در عبارت های زیر اصلاح کنید.

- أصدقاؤنا ما يُساعدنا في الشدائد.
 - نُدافع عن الارض الذي تولدتُ فيها.
 - من نطلب منك الاجتهاد في امورك.
 - المؤمنات هنّ التي تتوكلن على الله.
 - أنت من تتوكل على الله .
 - نحن الذي اتوكل على الله.
- *** للإعراب: (نقش كلمات مشخص شده را بنویسید)

المؤمن من يُساعد الفقراء.

هو الذي أرسل رسوله بالهدى.

*** للتحليل الصرفي: (كلمات مشخص شده را تجزیه کنید).

الذين يعملون الصالحاتِ فلهم أجرٌ عظيمٌ.

الَّذِينَ:	يعملون:	الصالحات:
هُم:	أجرٌ:	عظيمٌ:

*** كلمات مشخص شده را حرکت گذاری کنید:

- الاوضاع خطرَةٌ ... المسلمون في عذاب.
- نبينا من يمنعنا عن ارتكاب المعاصي.
- الكفار قتلوا سمية بعد التعذيب.